در گفت‌وگوی پاسارگاد با رییس اداره برق سیرجان مطرح شد

افزایش صددرصدی سرقت سیم‌های برق

رضا سلمانی‌زاده‌کرانی، رییس اداره برق سیرجان

ناصر صبحی

با گرم شدن هوا و به کار افتادن وسایل سرمایشی، اولین سوال مردم این است که آیا باز دوباره مانند سال گذشته شاهد قطعی‌های مکرر برق خواهیم بود؟

پاسخ رییس اداره برق به این سوال منفی است. رضا سلمانی‌زاده‌کرانی ضمن اشاره به این که امسال شاهد قطعی برق به دلیل مدیریت بار نخواهیم بود، اتفاقات سال گذشته را یک تجربه می‌داند و معتقد است راهکارهای لازم برای جلوگیری از قطع برق و یا راهکارهای مورد نیاز جهت اطلاع‌رسانی در صورت قطع برق، پیش‌بینی شده و کار، سامان یافته است. همچنین او در این مصاحبه از برنامه‌های این اداره جهت تشویق بهینه‌مصرفان و تنبیه اسراف‌کنندگان، افزایش سرقت کابل‌ها و چالش‌های این اداره با پرمصرف‌ها سخن گفته است.

تابستان امسال هم در سیرجان شاهد قطع جریان برق خواهیم بود؟

ما شرکت توزیع هستیم و برنامه‌ها بستگی به نیروگاه‌ها و ادارات بالادستی ما دارد. اما خودمان به عنوان شرکت توزیع و امور برق سیرجان، برنامه‌ای برای خاموشی نداریم. بخصوص اگر مردم در قضیه مدیریت مصرف و مصرف بهینه همچنان همکاری داشته باشند، برنامه‌ای برای خاموشی ناخواسته نداریم.

دیگر خبری از جدول خاموشی نخواهد بود؟

نه، در کل برنامه‌ای نیست.

احتمال دارد با گرم شدن هوا در اواسط تابستان...

یکی از موضوعاتی که باعث ایجاد پیک مصرف و خاموشی در تابستان می‌شود، ارزان بودن خدمات برق در کشور ماست. مثلا به طور متوسط هر کیلووات ۶۵ تا ۷۰ تومان است. وقتی خدمات ارزان و در اختیار همه باشد، متأسفانه یک جورهایی اسراف و خارج از عرف و استاندارد مصرف می‌شود. مصرف برق در ایران دو و نیم تا سه برابر متوسط مصرف کشورهای دیگر است این موضوع باعث می‌شود مردم بیشتر از ظرفیت شبکه‌های ما برق مصرف کنند. البته این پیک زیاد مصرف مختص به تابستان است و در فصل‌های دیگر این مشکل را نداریم. دلیل نیز استفاده از مصرف کننده‌های سرمایشی مثل کولر آبی، کولر گازی و اسپلیت است. در چنین شرایطی به طبع بار نیروگاه‌ها و پست‌ها بالا می‌رود. اگر مردم آن ده درصد کاهش مصرف را رعایت نکنند، ممکن است نیروگاه‌ها و پست‌های فوق توزیع ما دچار مشکل اساسی و خاموشی طولانی مدت بشوند. در نتیجه به ناچار خاموشی‌های مقطعی در سیستم داده می‌شود تا جلوی آسیب دیدن آن‌ها گرفته شود.

پس در حقیقت نیروگاه‌ها کشش افزایش بار را ندارند؟

در کل کشور ما یک شبکه به هم پیوسته داریم. چند نیروگاه داریم که به شبکه برق تزریق می‌کنند. فکر کنید نیروگاه‌ها چشمه باشند و پست‌های فوق توزیع شاخه‌های رودی که از چشمه می‌آید. همه مصرف‌کننده‌ها دارند از پست‌های فوق توزیع استفاده می‌کنند. حالا این نیروگاه‌ها توان خاصی دارند. مشخص است که چقدر مصرف و چقدر تولید داریم. وقتی مصرف در پیک از یک حدی بالاتر برود، منجر به خاموشی‌هایی می‌شود تا که شبکه دچار فروپاشی و قطعی طولانی مدت نشود. به این کار مدیریت بار می‌گویند.

اگر ما نیروگاه‌های بیشتری داشته باشیم، توزیع بیشتر خواهد بود و مشکل خاموشی رفع خواهد شد؟

نه. ما باید به سمت مصرف بهینه برویم نه اینکه نیروگاه ایجاد کنیم و مصرف هم پشت سرش زیاد شود. تا کی می‌خواهیم با میلیاردها دلار و میلیاردها تومان سرمایه‌گذاری نیروگاه و پست ایجاد کنیم؟ کی می‌خواهیم مصرف بی‌رویه را متوقف کنیم؟ کی می‌خواهیم اسراف را مدیریت کنیم؟ اگر مردم ما به اندازه ۱۰ درصد رعایت کنند، اصلاً نیازی به میلیاردها تومان سرمایه‌گذاری نداریم و می‌رویم در بخش‌های دیگری که زیرساختی هستند، مثل مدرسه و بیمارستان خرج می‌کنیم.

شما فرمودید ما به طور متوسط ۲ تا ۳ برابر کشورهای دیگر مصرف برق داریم، در عین حال فرمودید که بیشترین مصرف در تابستان است؟

بله ۱۵ خرداد تا ۱۵ شهریور. ساعت‌های پیک هم از ساعت ۱۳ تا ۱۷ و از ساعت ۱۹ تا ۲۳ است.

این به این معناست که ما در فصل‌های دیگر سال به اندازه کشورهای دیگر مصرف برق داریم و مصرف بهینه است؟

ما بیشتر توی پیک این مشکلات را داریم. باید با فرهنگ‌سازی مشکل را حل کنیم. آیا کولر را در سایه‌بان یا در جای مناسب می‌گذاریم؟ آیا کولر را درست سرویس می‌کنیم؟ لامپ‌های اضافی را خاموش می‌کنیم؟ مثلا ما باید این نکته را جا بیندازیم که در ساعت‌های پیک بار این فصل از ماشین لباسشویی و اتو استفاده نکنم.

به نظر شما چقدر از این مصرف دو و نیم تا سه برابری ما مربوط به عدم رعایت مصرف بهینه و چه میزان مربوط به کیفیت وسایل برقی که استفاده می‌شود است؟

هیچ مطالعه‌ای روی این قضیه نشده است. همانطور که می‌دانید نزدیک به ۴۰ درصد مصرف شهرستان سیرجان مربوط به کشاورزی‌هاست، ۳۰ درصد خانگی، ۲۰ درصد صنعتی و ۱۰ درصد سایر مصارف است. در هر بخشی را باید جداگانه حساب کرد. من آمار دارم که کشاورزی ما به چه سمتی باید برود. باید به‌جای الکتروموتور عمودی یا افقی، از شناور استفاده کند. آماری داریم که می‌گوید در شهرستان سیرجان، بیشتر مردم از شناور برای پمپ چاه استفاده نمی‌کنند. این‌ها علت‌های خاصی دارد که می‌گویند شناورها شن می‌گیرند و زود می‌سوزند. بنابراین به سمت الکتروموتور می‌روند. الکتروموتور بازدهی کمتر و مصرف بیشتری دارد. ما برای اینکه مصرف‌مان را توی پیک کاهش دهیم راهکار داریم.

چه راهکاری؟

یکی امضای تفاهم نامه با کشاورزان است که در صورت رعایت مصرف از ۱۵ خرداد تا ۱۵ شهریور، نه تنها برق‌شان رایگان می‌شود که پاداش هم می‌گیرند. ما همه‌ی تفاهم‌نامه‌های‌مان در این بازه است. صنعتگران هم اگر با ما تفاهم‌نامه خاموشی و کاهش مصرف برق امضا کنند، شامل همین موارد می‌شوند.

در بحث خانگی ده هزار مشترک پر مصرف در سیرجان داریم. یعنی ۱۰ درصد از ۱۱۰ هزار مشترک خانگی جزو پرمصرف‌ها هستند. همین ۱۰ درصد اگر بهینه مصرف کنند قطعاً مشکلی در تامین برق تابستان نداریم.

نتایج بار اضافه مصرف این افراد، مانند خاموشی‌ها ناخواسته برعهده دیگران است؟

این هم موضوع مهمی است. ما حدود ۷ درصد نسبت به سال گذشته برای مصرف مشترکان‌مان افزایش قیمت داریم. پرمصرف‌ها اگر به کم مصرف‌ها نپیوندند، علاوه بر ۷ درصد، ۱۶ درصد هم افزایش قیمت نسبت به بقیه دارند که جمع آن ۲۳ درصد می‌شود. آنچه از صحبت‌های وزیر نیرو شنیدم این بود که کسانی که الگوی مصرف کمتری دارند، به ازای کاهش مصرف، پول را به قبض‌های‌شان برمی‌گردانیم. یعنی الگوی مصرف ماهانه در سیرجان ۳۰۰ کیلو وات است که در دو ماه ۶۰۰ کیلو وات می‌شود. حالا اگر من فرضا ۵۰ کیلو وات از آن ۶۰۰ کیلو وات کمتر مصرف کردم، پول این ۵۰ کیلووات از کل مبلغ قبض کم می‌شود.

وقتی از مصرف بهینه در کشورهای توسعه یافته صحبت می‌کنیم و نام آن را فرهنگ می‌گذاریم، فراموش می‌کنیم که پشتوانه ایجاد این فرهنگ اهرم‌های پرقدرتی مثل جریمه‌های مالی قابل ملاحظه بوده. جریمه‌ها مانع اسراف فرد می‌شود.

بله، قیمت‌ها در ایران واقعی نیست و مشمول یارانه می‌شوند. اگر بخواهید قیمت واقعی هر کیلووات برق را در ایران را حتا بدون در نظر گرفتن هزینه سوخت نیروگاه و فقط بر مبنای هزینه انتقال از مبدا تا شرکت‌های توزیع به ازای هر کیلووات کحاسبه کنید، نزدیک به ۱۳۰ تومان است. البته الان که بیشتر شده من بر اساس قیمت سال ۹۷ می‌گویم. در حالی که ما هزینه برق کشاورزان را ۱۵ تا ۲۰ تومان در نظر می‌گیریم. متوسط مبلغ دریافتی از مشترکین خانگی ۶۵ تا ۷۰ تومان است. اگر این مبالغ را بدون یارانه و با احتساب سوخت بخواهند حساب کنند، هر کیلوواتی بالغ بر ۶۰۰ تا ۷۰۰ تومان می‌شود. پس ببینید که در ایران هزینه‌های خدمات برق خیلی کم است.

گفتید ۴۰ درصد برق مصرفی شامل بخش کشاورزی می‌شود اما نرخ هر کیلووات این بخش بسیار کمتر است و همچنین با مصرف بهینه از رایگان شدن برق و حتا گرفتن پاداش نیز برخوردار می‌شوند.

از ابتدا برای کشاورزان سیاست‌هایی بوده که چون تولیدکننده هستند باید برق‌شان ارزان‌تر باشد.

جدا از بحث کیفیت و به صرفه بودن تولید، به واسطه حضور پررنگ دلال‌ها در عرصه کشاورزی، در نهایت سود اصلی ارزانی امکانات که موجب ارزانی محصول شده، در جیب آن دلالی است که ارزان می‌خرد و گران می‌فروشد. البته پاسخ به این نکته در حیطه کاری شما نیست.

انتقادی که ما از کشاورزان داریم مربوط به بحث تفاهم‌نامه -مدیریت مصرف- است. سال‌های گذشته همکاری آنچنانی با ما نداشتند. تفاهم‌نامه را امضا می‌کردند اما همکاری نداشتند. امسال انتظارات ما از کشاورزان خیلی زیاد است.

جز انتظار، اهرم دیگری هم دارید؟

اگر مدیریت مصرف نباشد و بالای قدرت باشند، برق را قطع می‌کنیم. بالای قدرت یعنی بیشتر از چیزی که ما با آنها قرارداد داریم و دارند مصرف کنند. مثلا از ما برق خریدند اما به جای ۱۰۰ کیلو وات قرارداد، ۱۲۰ کیلو وات مصرف می‌کنند. این‌ها باید مصرف را روی ۱۰۰ کیلو وات بیاورند. ما نزدیک به ۴۰۰ پمپ کشاورزی بالای قدرت داریم. اگر رعایت نکنند، به اجبار باید قطع‌شان کنیم.

اوضاع دزدی کابل چگونه است؟

اصلا خوب نیست.

نسبت به سال گذشته بیشتر شده است؟

بله، خیلی بیشتر شده. اصلا مناسب نیست.

اگر بخواهید نسبت به سال یا سال‌های گذشته درصد بدهید، اوضاع چگونه است؟

سال گذشته دزدی خیلی کم بود. بیشتر در فصل پاییز و زمستان دزدی کابل داشتیم. متاسفانه اگر بخواهیم آمار امسال را با سال گذشته مقایسه کنیم، شاید صد درصد افزایش داشته باشیم. امسال تا اینجا از ما نزدیک به یک تن سیم به سرقت رفته است. در حالی که آمار دزدی در سال گذشته ۲ تن سیم بوده است. رقم بالا و غیرقابل جبرانی است.

به نظر می‌آید اوضاع بد اقتصادی هم در افزایش دزدی‌ها نقش دارد.

قطعا دارد. انصافا همکاری نیروی انتظامی و دستگاه قضایی با ما خیلی زیاد است اما حجم دزدی نیز زیاد است. سارق را می‌گیرند و دو هفته کار تعطیل می‌شود اما بعد دوباره سرقت اتفاق می‌افتد. یعنی دستگیری و برخورد صورت می‌گیرد ولی حجم سرقت‌ها و تعداد سارقان زیاد است.

دزدی‌ها بیشتر در کدام نواحی سیرجان اتفاق می‌افتد؟

همه جا. نمی‌شود جای خاصی را گفت. در شهر، حومه شهر و روستا دزدی اتفاق می‌افتد و زیاد هم هست.

تصور می‌کردم چون در شهر رفت و آمد زیاد است، دزدی کمتر است.

اتفاقا اخیراً توی شهر بیشتر شده؛ شهر و حومه شهر.

سال گذشته بحث سوختن وسایل برقی در پی خاموشی‌ها زیاد پیش آمد. حتی در یک مورد صاحب یک نانوایی؛ نان‌هایش را در اعتراض به این موضوع جلوی اداره برق ریخت. خیلی از مردم در این مورد گلایه دارند. قابل پیگیری است؟

اگر قضیه سوختن وسایل، در اثر قطع و وصل باشد بله، اما این مورد خیلی کم است. ما کاری به شبکه نداریم که قطع برقش باعث سوختن وسایل شود. یک قطع آنی و یک وصل آنی است. وسایل به خاطر خاموشی نمی‌سوزند. ممکن است از نظر سیم‌کشی عیبی در شبکه‌های داخلی خانه فرد وجود داشته که باعث سوختن وسایل شده است. اگر به ما مراجعه کنند هم راهنمایی می‌کنیم و هم اگر موضوع به دلیل مشکل داخلی خانه‌شان باشد، اطلاعات را به بیمه می‌فرستیم و اگر بیمه شامل‌شان شود، حتما-مبلغ خسارت را- پرداخت می‌کنیم.

حتی اگر صاحب خانه مقصر باشد؟

بله، هیچ مشکلی ندارد. بیمه بودیم و هستیم. الان هم مردم دارند مبالغ را می‌گیرند.

منظور از مستنداتی که می‌گویند باید به همراه داشته باشیم چیست؟

بالاخره مستندات اتفاق، فاکتور و البته تماس فرد با بخش اتفاقات برق و ثبت موضوع در تاریخ وقوع حادثه که وسیله‌ها در فلان تاریخ و بر اثر قطعی دچار مشکل شده. بیمه بر اساس مستندات ثبت شده مبلغ را پرداخت می‌کند.

پس اینکه می‌گویند رسیدگی نمی‌شود را صحیح نمی‌دانید؟

رسیدگی می‌شود اما با توجه به سرقت‌هایی که اخیرا انجام شده گلایه‌ها به خاطر این است که تا به حال فلان منطقه پنج رشته سیم داشته اما به دلیل دزدی‌ها حالا شده سه یا یک رشته سیم. نوسانات بیشتر شده و در نتیجه اتفاقات هم بیشتر می‌شود. اگر گلایه‌ای از این سمت وجود دارد درست است. حجم شبکه‌های سرقتی واقعا برای عموم غیرقابل جبران و خارج از توان است. نوساناتی که مردم مثلا در بلوار قاآنی اعلام می‌کنند از سیم سرقت شده ناشی می‌شود که گاه موجب افت ولتاژ، نوسانات یا سوختن وسایل می‌شود. ما از مردم توقع داریم نسبت به موضوع قطعی برق حساس باشند. چون بسیار اتفاق افتاده که قطعی ناشی از سرقت بوده اما مردم چون فکر می‌کردند از سمت ماست، پیگیری نکرده‌اند.

فکر نمی‌کنید به خاطر این است که مردم سیرجان به قطع برق خیلی عادت دارند؟

واقعا اینطور نیست. مردم به خاموشی عادت ندارند. اتفاقات سال گذشته خاص و به دلیل کم شدن آب پشت سدها بود.

سال گذشته گفته بودید ادارات سیرجان ۴ میلیارد تومان به اداره برق بدهی دارند، امسال وضعیت چگونه است؟

با کاری که سال گذشته از طریق بحث اسناد خزانه انجام شد، بخش مهمی از این بدهی وصول گشت. الان ادارات دو میلیارد و چهارصد میلیون بدهی دارند که البته باز هم رقم بالایی است.

پارسال پس از اینکه وزیر نیرو اعلام کرد دیگر خاموشی نخواهیم داشت، تا یک ماه همچنان سیرجان شاهد خاموشی‌ها بود، چرا؟

نمی دانم موضوع چه بود ولی به محض این که متوجه شدم و انعکاس دادم، دیگر مورد خاموشی نداشتیم. احتمال دارد خاموشی‌ها به دلیل تعمیرات فوق توزیع باشد (فوق توزیع بخشی از سیستم انتقال نیروی برق است که پست‌های فشارقوی را از طریق ترانسفورماتورهای کاهنده به پست‌های توزیع وصل می‌کند). بعضی وقت‌ها مردم مدیریت بار را با خاموشی‌های فوق توزیع اشتباه می‌گیرند چون طبیعتا برای ایشان قابل تفکیک نیست و فقط برای ما قابل تفکیک است.

چرا تعمیرات زودتر از فصل پیک انجام نمی‌شود که دچار این مشکلات نشویم؟

صنعت بالادستی ما یعنی برق منطقه‌ای سیاستش این است که معمولا در این فصل تعمیرات را انجام می‌دهد. البته در طول سال هم تعمیرات انجام می‌شود. در کل یکی بار دو بار بیشتر نیست. این‌طور نیست که حجم زیادی داشته باشد.

سرمقاله

شبه کودتا در شبه دولتی‌ها

رضا مسلمی‌زاده

فاسدتر از دولتی‌ها شبه‌دولتی‌هایند. این قاعده‌ای است در همه‌ی جهان که ما نیز از آفت آن برکناره نیستیم. بخش عمده‌ای از اقتصاد دولت‌زده‌ی ایران در چنبره‌ی همین شبه‌دولتی‌های شترمرغ صفت است. شترمرغ‌هایی که در هنگام باربری مرغ‌اند و در موسم تخم‌گذاری خودشان را شتر جا می‌زنند. بخشی از فساد سیستماتیکی که هرازگاهی از آن سخن به میان می‌آید، از همین شبه‌دولتی‌هایی آب می‌خورد که چشم طمع اهل سیاست به سوی آنهاست. درهم‌تنیدگی سیاست و اقتصاد در جامعه‌ی ایران یکی از معضلات افزایش روزافزون فساد است. شبه‌دولتی‌های متمول قلک اهل سیاست‌اند و بخشی از ریخت‌وپاش‌های سیاسیون در موسم‌هایی نظیر انتخابات از همین شترمرغ‌های فربه فارغ از حسابرسی‌های دولتی تامین می‌شود. حضور آقازاده‌ها در شرکت‌های واسطه‌ی پیمانکار این شبه‌دولتی‌ها زمینه‌ی رانت‌های میلیاردی را فراهم آورده است که مصداق بارز ثروت‌های بادآورده افسانه‌ای برای نسل دوم انقلابیونی است که گویی سهم خود و پدران و احتمالا فرزند و نوادگان‌شان را از سفره انقلاب با کمترین زحمت یک‌جا برداشت کرده‌اند.

طبیعی است که دولت و اهل سیاست این گاوهای شیرده را به حال خود رها نمی‌کنند و در ملوک‌الطوایفی قدرت، این منابع عظیم ثروت یک ملت گوشت قربانی به حساب می‌آیند. شبه‌دولتی‌های فاسدتر از دولتی‌ها ظاهر قضیه را تا حدودی که مایه‌ی رسوایی و آبروریزی نشود، رعایت می‌کنند. مثلا هیئت‌مدیره دارند و مجمع عمومی برگزار می‌کنند و غیره و ذالک... اما این هیئت‌مدیره‌ی بی‌اختیار در عمل چیزی به جز ماشین امضا نیستند و احتمالا برای همین امضاهای «به فرموده» در سال مبالغ هنگفتی حقوق و پاداش دریافت می‌کنند. در هیئت مدیره‌ی این شبه‌دولتی‌های «افسد» ردپا و حضوری از وزرا و وکلای سابق و لاحق بسیار دیده می‌شود. قبای گشاد خدمت لابد برای عضویت همزمان در چندین هیئت‌مدیره به اندازه کافی جا دارد.

اوج افتضاح این شبه‌دولتی‌ها در عزل و نصب مدیران ارشد آنها روی می‌دهد. به یاد بیاورید جلسه‌ی استیضاح وزیر سابق کار و لحظه‌ای که او نماینده‌ی استان‌مان را متهم کرد که جانبداری او از استیضاح به دلیل حمایت نکردن وزیر وقت کار برای مدیرعاملی کهنوجی‌نامی در صنایع ملی مس بوده است. نمونه‌ی اظهرمن‌الشمس آن البته همین بیخ گوش خودمان به نمایش درآمد.

این نمایش‌های اهل سیاست در گود اقتصاد در حالی پیش چشم خلایق رخ می‌دهد که خلق را از آن بهره‌ای جز لقمه‌نانی نیست. آرزوی کار کردن در یکی از شرکت‌های این شبه‌دولتی‌ها بیشترین حد تمنایی است که برای یک شهروند عادی متصور است. بالاخره از این سفره‌ی پرریخت‌وپاش خرده و ریزه نانی هم باقی می‌ماند که شاعر توصیه کرده آن را چو به کف آوردیم به غفلت نخوریم.

اختتامیه این نمایش مضحک، تکذیبیه‌هایی است که به زور تلاش می‌کنند، همه چیز را عادی جلوه دهند. شبه‌دولتی‌ها اسیر شبه کودتا هستند و دعوای اصلی اصحاب سیاست منتفع شدن هرچه بیشتر از این خوان‌های گسترده است و پنهان کردن پشت‌پرده‌ی این رفت و آمد وظیفه‌ای است که بعضی‌ها بهتر از دیگران آن را ایفا می‌کنند.

خبر

تلخی صف شکر

پاسارگاد

بازار شکر از چند ماه قبل از آغاز سال ۹۸ حال و روز خوبی ندارد. مردم هر روز با قیمت‌های متفاوتی از سوی فروشندگان روبه‌رو می‌شوند. قیمت شکر از کیلویی ۸ تا ۱۰ هزار تومان متغیر است. بالارفتن قیمت شکر باعث شده است در بعضی فروشگاه‌ها و سوپرمارکت‌ها شکر با قیمت دولتی عرضه شود و صف‌های طولانی مردم در مقابل فروشگاه‌ها تشکیل شود اما مشکل اینجا است که مردم نمی‌دانند دقیقا چه روز و چه ساعتی شکر در این مکان‌ها عرضه می‌شود. محدودیت مراکز توزیع هم باعث شده که مردم بارها به یک فروشگاه برای خرید شکر مراجعه کنند. یکی از شهروندان می‌گوید: شکر دولتی یافت نمی‌شود و هر بار که به جاهایی که شکر به قیمت دولتی می‌دهند مراجعه می‌کنم می‌گویند «نداریم».

عرضه شکر به نرخ دولتی در نمایشگاه ضیافت

ساعت ۸/۵ صبح است. غرفه‌داران نمایشگاه ضیافت هنوز پرده‌ها و گونی‌های آویزان جلوی غرفه‌ها را باز نکرده‌اند. تا شروع به کار نمایشگاه نیم ساعت باقی است. اما مردم برای خرید شکر صف کشیده‌اند. در قسمت پشت نمایشگاه دری که رو به فضای سبز باز می‌شود، غوغایی برپاست. بیش از هزار زن و مرد و کودک و نوجوان در چندین ردیف طولانی ایستاده‌اند. صدای همهمه مردم بالا است. خانمی با بچه دو ساله زیر سایه درختی نشسته است و در حالی که پستانک شیر را در دهان بچه‌اش می‌گذارد، می‌گوید: «از همسایه‌ها شنیدم که اینجا شکر دولتی می‌دهند. ساعت ۷ صبح بچه‌ام را آماده کردم تا به نمایشگاه ضیافت بیایم». پسر جوانی عنوان کرد: «از طریق پیامک متوجه شدم که در نمایشگاه ضیافت شکر و گوشت می‌دهند. ساعت ۵ و نیم صبح از نجف‌شهر آمدم اما ۱۵ نفر زودتر از من آمده بودند». زن با دستش چادرش را محکم نگه داشته است. خانه‌اش شهرک رزمندگان است و از جمعیت زیاد تعجب کرده است؛ «وقتی با این وضعیت شکر می‌دهند بهتر است که نگیریم. کمتر مصرف می‌کنیم.» می‌پرسم توان خرید شکر کیلویی ۹-۱۰ هزار تومان را دارید، با مکث می‌گوید: «مگر شکر به قیمت آزاد کیلویی ۹ هزار تومان است؟»

خانم دیگری ادامه داد: «فروشندگان می‌گویند که به هر نفر تنها ۳ کیلوگرم شکر می‌دهند و اگر نیاز بیشتری داشته باشیم باید روز دیگر مراجعه کنیم که این کار وقت ما را تلف می‌کند».

«مگر شکر هم جزو اقلام تحریم شده است که برای تهیه آن باید راهی این مغازه و آن مغازه شویم» این سئوالی است که زن‌ها در صف از همدیگر می‌پرسند و هیچ‌کس جوابی برای آن ندارد.

شکر به قیمت دولتی می‌دهند که دهان ما را ببندند

گلایه‌های مردم و دلخوری آن‌ها از گرانی شکر به گوش می‌رسد. یکی از شهروندان می‌گوید: «مسئولان می‌خواهند شکر دولتی توزیع شود تا مردم اعتراض نکنند و به اصلاح دهان ما را ببندند».

خانم جوانی که از ایستادن در نوبت خسته شده است با بیان اینکه هنوز برای ناهار ظهر بچه‌هایش چیزی تهیه نکرده است، گفت: «مسئولان دل‌شان خوش است که نمایشگاه برای ماه رمضان برپا می‌کنند و به مردم می‌گویند شکر و گوشت را به نرخ دولتی بگیرید اما آن‌ها نمی‌دانند نحوه توزیع به چه شکل است و ما برای گرفتن تنها ۲-۳ کیلو شکر باید از صبح تا ظهر معطل بمانیم». فردی که از جمعیت زیاد به وجد آمده بود با گوشی موبایلش شروع به فیلمبرداری کرد. خانم جوانی فریاد زد، فیلم نگیر. بدبختی مردم که نشان دادن ندارد. برای چی می‌خواهی از بیچارگی ما فیلم بگیری. زن کنارش گفت: «مسئولان به مردم اهمیت نمی‌دهند. آیا مسئولان هم خودشان از طریق صف، شکر می‌گیرند؟ کسی به فکر ما نیست. حتی اگر تلویزیون هم نشان‌مان بدهد فایده‌ای ندارد». ساعت ۱۰ صبح است. پیرزن یک پلاستیک شکر و گوشت گرفته و از نمایشگاه خارج می‌شود؛ «بچه‌هایم خواب بودند؛ نماز صبح را خواندم و آمدم داخل صف. او برای فروشندگان دعا کرد: خدا پدرشان را بیامرزد که شکرها را جلوتر وزن کردند و ما را بیشتر معطل نکردند». رییس اداره صنعت و معدن می‌گوید: «در سیرجان یکسری مغازه‌ها شکر به قیمت دولتی توزیع می‌کنند. هفته گذشته فروشگاه فرهنگیان، فروشگاه جهاد، تعاونی عشایری، اتکا، فروشگاه صحت شکر دولتی توزیع کردند.» شهبا گفت: «علاوه بر این به هر بخشی هم ۵ تن شکر دادیم یعنی به ۵ تا بخش ۲۵ تن شکر دادیم. به نرخ همان ۳۵۰۰ تومان می‌فروشند. فروشگاه‌های کوروش هم مستقیم سهمیه‌شان را از خود سازمان می‌گیرند». او ادامه داد: «به همه تاکید کردیم شکر را بسته‌بندی کنند و به همه مردم بدهند، ۲۰ تن شکر هم در نمایشگاه ضیافت توزیع کردیم. علاوه بر شکر گوشت هم در نمایشگاه توزیع شد. گوشت گوساله منجمد به قیمت ۳۲ هزار و ۵۰۰ تومان البته یک روز درمیان.

چه کسی «تقی‌زاده» را جابه‌جا کرد؟

بازیِ تاج و تخت در گل‌گهر

ابوذر خواجویی‌نسب

همیشه همین بوده است، بسیاری از معادلاتِ تغییر مدیران در ایران از مسیر «لابی» می‌گذرد و در این بازیِ تاج و تخت حرف کسی به کرسی می‌نشیند که قدرت لابی‌گریِ بیشتری داشته باشد. چند «سال» پیش «ناصر تقی‌زاده» با لابیِ برخی اصلاح‌طلبان و برادرانِ جهانگیری مدیرعامل گل‌گهر شد. چند «ماه» پیش با لابیِ واعظی، رییس دفتر رییس‌جمهور و پورابراهیمی، نماینده‌ کرمان در سمت خود ابقا شد و چند «روز» پیش با لابیِ مخالفانش و به شکل غیرمنتظره‌ای جای خود را به ملارحمان داد. سیاست است دیگر! پدر و مادر ندارد. حتی اگر مدیرعامل یک بنگاه کاملا اقتصادی باشی، باز هم باید به ریسمانِ سیاست چنگ بیندازی تا بر سریر قدرت باقی بمانی. وگرنه کلاهت پسِ معرکه است.

سایه‌ی سنگینِ سیاست بر سر گل‌گهر

با روی کار آمدنِ دولتِ حسن‌روحانی در سال ۹۲، تغییر در جایگاه مدیرعاملیِ گل‌گهر نیز بسیار محتمل به‌نظر می‌رسید. «محمد جلال‌مآب» مدیرعامل وقتِ گل‌گهر در کنار مجید دوستعلی و مجید نامجو وزیر سابق نیرو، یکی از سه یارِ دبستانیِ محموداحمدی‌نژاد در کرمان بود. دوستانی از دورانِ جنگ و از لشکری در زیر مجموعه‌ی سپاه پاسداران که صادق محصولی فرماندهیِ آن را بر عهده داشت. جلال‌مآب از تکنوکرات‌های دولتِ احمدی نژاد بود. دسته‌ای که سعی می‌کردند در عرصه‌ی سیاسی بیشتر در نقش «کارگزار» قرار بگیرند و در عین حال به تفکرات افراطیِ اقتصادی نیز شهره بودند. با توجه به این موضوع، بسیاری منتظر بودند تا جلال‌مآب جزو اولین مدیرانی باشد که مورد غضبِ دولت جدید قرار گرفته و از قطار دولت به اصطلاح مهرورز پیاده شود. با وجود این، مخالفتِ شدید مجمعِ نمایندگان استان با هر گونه تغییرِ مدیریتی در مجموعه‌ی گل‌گهر، به جلال‌مآب کمک کرد تا هم‌چنان مدیرعامل باقی بماند.

مضاف بر این، کارنامه‌ی مدیریتیِ او در مقایسه با مدیران سابق گل‌گهر، درخشان‌تر به‌نظر می‌رسید. او برای توسعه‌ی یکی از بزرگ‌ترین شرکت‌های صنعتیِ کشور، طرح «گل‌گهر۹۸» و هم‌چنین پروژه‌ی «انتقال آب» از سرشاخه‌های خلیج فارس را کلید زده بود. ارزش سهامِ گل‌گهر در بورس نیز در دوران حضور او با سیر صعودی همراه شده بود. همین آمار و ارقام کافی بود تا دست و دل دولت تدبیر و امید برای تغییر مدیرعامل گل‌گهر بلرزد و تیر اصلاح‌طلبان استان برای عزلِ یکی از مهره‌های محموداحمدی‌نژاد به سنگ بخورد. اما زمان جلوتر که رفت، اوضاع برای جلال‌مآب چندان خوب پیش نرفت. رزم‌حسینی استاندار وقتِ کرمان برای اجرایی شدن ایده‌ی خود یعنی طرح «مثلث توسعه‌ی استان» مایل بود تا مدیری همسو در جایگاه مدیرعاملیِ گل‌گهر قرار بگیرد. به همین سبب در مقابل ۹ نفر از نمایندگان استان که هم‌چنان اصرار به ماندنِ جلال‌مآب داشتند، موضع گرفت و از دخالت‌های آنها در کارِ دولت و تغییر مدیرانِ استانی، انتقاد کرد. در آن‌سوی ماجرا نیز تحرکاتِ اصلاح‌طلبان به اوج خود رسید و با توجه به نفوذِ اسحاق جهانگیری در بدنه‌ی دولتِ اعتدال‌گرایان، سرانجام در اردیبهشت سال ۹۴، جلال‌مآب جای خود را به ناصر تقی‌زاده داد.

بازگشتِ پر سر و صدای تقی‌زاده

تقی‌زاده در حالی وارث تاج و تخت جلال‌مآب شد که پیش از این و در یک دوره‌ی سه ساله در سال‌های پایانیِ دولت اصلاحات و در دورانی که اسحاق جهانگیری وزیر صنعت‌ومعدن بود، سابقه‌ی مدیرعاملیِ گل‌گهر را در کارنامه‌ی خود داشت. در دوره‌ی دوم نیز در حالی سکاندار این غولِ صنعتی شد که اسحاق جهانگیری معاون اول رییس جمهور بود. نکته‌ی دیگر اینکه تقی‌زاده قبل از بازگشت به گل‌گهر، مدیرعامل شرکت فولادبناب بود. یکی از شرکت‌های زیر مجموعه‌ی «گروه مالی گردشگری» که ریاست آن بر عهده‌ی مهدی جهانگیری بود. تقی‌زاده در ابتدای حضور مجدد خود در سیرجان، سعی کرد تا بر خلاف دوره‌ی گذشته وارد تنش با مدیران ارشد شهرستان نشود. به همین منظور در مراسم معارفه‌اش تاکید کرد؛ در بحث اشتغال و هم‌چنین در انتخاب مدیرانِ ارشد و میانیِ شرکت، اولویتش با افراد متخصص، متعهد و بومی است. همین‌گونه نیز شد و او در ابتدای حضورش برخی از چهره‌هایی که در حلقه‌ی شهباز حسن‌پور قرار داشتند را در ردیف مدیرانِ ارشد گل‌گهر قرار داد. البته برخی پست‌های حساسِ شرکت نیز به کسانی رسید که از حمایت برادران جهانگیری برخوردار بودند. در بحث توسعه‌ی گل‌گهر نیز تقی‌زاده سعی خود را بر پایان رساندنِ پروژه‌های ناتمامِ جلال‌مآب گذاشت و تلاش کرد تا با سرمایه‌گذاری در بخشِ اکتشافات، چهره‌ی جدیدی از گل‌گهر خلق کند.

گل‌گهر روی خط آتش!

اما از دی ماه ۹۷ و به گوش رسیدن زمزمه‌هایی مبنی بر برکناری ناصر تقی‌زاده، اوضاع گل‌گهر در بحرانی‌ترین شکل ممکن قرار گرفت. سایه‌ی سیاست بر سر شرکتی سنگینی می‌کرد که پایه و اساسش بر کارهای اقتصادی قرار دارد. تقی‌زاده به شکلی عجیب اصرار بر حفظ صندلی‌اش داشت و از هر طریقی سعی می‌کرد تا هم‌چنان مدیرعامل باقی بماند. او که دیگر حمایت برادران جهانگیری را پشت سر خود نمی‌دید، حامیان جدیدی در دولت برای خود پیدا کرده بود که در راس آنها واعظی رییس دفتر رییس جمهور قرار داشت. او هم‌چنین برای مقابله با نفوذ شهباز حسن‌پور، به مجلس رفت و در جلسه‌ای با دیگر نمایندگان استان، آنها را در جریانِ پروژه‌های در دست اقدام گل‌گهر گذاشت. در آن مقطع برخیِ رسانه‌ها در خبرهایی تأییدنشده، عنوان کردند که تقی‌زاده برای جلب نظر نمایندگان استان، از جیب گل‌گهر بذل و بخشش‌هایی کرده است. از بخشودن کمک مالی که در زمان رزم‌حسینی برای ساخت پل‌های شهر کرمان داده شده بود و قول پرداخت پنجاه میلیارد تومان در جلسه ستاد توسعه فرهنگی استان تا تصویب سه میلیارد تومان کمک از سوی گل‌گهر به موسسه‌ای مربوط به زندانیان استان و پرداخت یک میلیارد تومان برای ساخت منازل مسکونی افراد نیازمند در جنوب استان. پس از این دیدار، تصویر قراردادی امضاشده از سوی شرکت معدنی و صنعتی گل‌گهر با روزنامه دنیای اقتصاد در فضای مجازی منتشر شد که در آن قید شده بود، ۷۵۰میلیون تومان از سوی گل‌گهر برای پوشش یک همایش دو روزه به روزنامه‌ی دنیای اقتصاد پرداخت شود.

عکس: پاسارگاد

برکناریِ تقی‌زاده و پرسش‌هایی که بی‌جواب‌ماند...

حاتم‌بخشیِ‌ها جواب داد و و بر خلاف همه‌ی گمانه‌زنی‌ها، تقیِ‌زاده سکاندار گل‌گهر باقی ماند. او پس از آنکه خیالش از ماندن راحت شد، رویه‌ی متفاوتی را در پیش گرفت و بسیاری از مدیران سیرجانی را عزل و یا مجبور به استعفا کرد. هر چند در ظاهر سعی کرد ارتباط دوستانه‌تری با مدیران ارشد شهرستان برقرار کند. آتشی که در زیر خاکسترِ گل‌گهر پنهان شده بود با برکناری ایمان عتیقی شعله‌ور شد و این‌بار دامانِ تقی‌زاده را گرفت. او اسیر توصیه‌های غلطِ مشاورانش و قربانی تفکرات انحصارگرایانه‌ی خود شده بود و حالا در اتفاقی که برخی او را به کودتا و برخی دیگر به روکم‌کنی تشبیه کردند، از گل‌گهر رفت. با پرسش‌هایی که بی‌جواب ماند. خودش گفته بابت صحبت‌های حسن‌پور در مصاحبه با پاسارگاد و نحوه‌ی برکناری‌اش به زودی شفاف‌سازی خواهد کرد. منتظر می‌مانیم. این حقِ مردم سیرجان است که بدانند در بازیِ تاج و تخت گل‌گهر، چه فرصت‌هایی که سوخته نشد و چه پول‌هایی که دود نشد؟